

## پیشینه غدیریه سرایی در شعر فارسی

پیشینه غدیریه سرایی به روز غدیر خم باز می‌گردد که همان روز حسّان بن ثابت ایستاد و غدیریه ای سرود که علامه امینی آن را در کتاب شریف الغدیر آورده است و قدمت غدیریه سرایی به اندازه قدمت غدیر خم است. اما در زبان فارسی، قدیمی ترین غدیریه که به دست ما رسیده است، مربوطه به قرن چهارم است. پیش از این قدیمی ترین غدیریه ها را مربوط به قرن پنجم دانسته بودند که ما دو مورد غدیریه را که در قرن چهارم سروده شده بود یافتیم. استاد محمد رضا حکیمی مقاله ای در این باب داشتند که قدیمی ترین غدیریه را مربوط به منوچهری دامغانی در قرن پنجم دانسته اند. اما ما توانستیم از دو شاعر پرآوازه قرن چهارم بنام ابو حسن مجد الدین کسایبی مروزی و ابو منصور محمد بن احمد دقیقی طوسی دو اثر را یافتیم. کسایبی مروزی به معنای حدیث غدیر خم پرداخته است، در حالیکه دقیقی طوسی به صراحت از غدیر نام برده است. کسایبی متولد سال 341 است و می‌گوید:

مدحت کن و بستای کسی را که پیامبر

بستود و ثنا کرد و بدو داد همه کار

آن کیست بدین حال که بودست و که باشد

جز شیر خداوند جهان حیدر کرار

این دین هدی را به مثل دایره ای دان

پیغمبر ما مرکز و حیدر خط پرگار

علم همه عالم به علی داد پیمبر

چون ابر بهاری که دهد سیل به گلزار

کسایبی مروزی در اولین بیت خود که فرمود: «بدو داد همه کار» معنای واگذاری مسئولیت های پیامبر به امیر المؤمنین را ارائه کرده است. با اینکه در این اثر کلمه غدیر به کار برده نشده است، اما از معنای شعر متوجه منظور شاعر می شویم.

البته این شاعر در اشعاری دیگر به فضایل امیر المؤمنین پرداخته است. ایشان قصیده دیگری دارد که در آن حضرت علی را امیر المؤمنین و رکن مسلمانی و امام المتّقین می نامد که از اشعار می توانیم برداشت کنیم همانطور که کسایی مروزی شاعر بوده و تخلّص خود را از حدیث کساء گرفته است، منظورش از این اشعار غدیر خم و افضلیت امیر المؤمنین نسب به دیگر اصحاب پیامبر بوده است و در شعر دیگری می گوید:

فهم کن گر مؤمنی فضل امیرالمؤمنین

فضل حیدر ، شیر یزدان ، مرتضای پاکدین

فضل آن کس کز پیمبر بگذری فاضل تر اوست

فضل آن رکن مسلمانی ، امام المتّقین

فضل زین الاصفیا ، داماد فخر انبیا

کافریدش خالق خلق آفرین از آفرین

ای نواصب ، گر ندانی فضل سرّ ذوالجلال

آیت قربی نگه کن و آن اصحاب الیمین

قل تعالو ندع بر خوان ، ورنه ندانی گوش دار

لعنت یزدان ببین از نبتهل تا کاذبین

لا فتی الّا علی برخوان و تفسیرش بدان

یا که گفت و یا که داند گفت جز روح الیمین ؟

اینجا شاعر به آیه مودّت « قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ ۗ شوری 23»، یا آیه اصحاب الیمین، یا آیه مباحله « فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ؛ 61 آل عمران» که جملگی

از فضایل مولا علی است اشاره می کند و از مجموعه آنها با صراحت برداشت می کند که امیر المؤمنین برترین اصحاب بعد از پیامبر است و کسی به برتریت و افضلیت ایشان نمی رسد.

شاعر دیگر در قرن چهارم **دقیقی طوسی** است که متوفای سال 341 است و در بیتی می گوید:

کیوس وار بگيرد همی به چشم آلوس

بسان فرخ شهبای امیر روز غدیر

در برخی نسخه ها بجای بگیرد، بگیرد آمده است، شاعر در این بیت با صراحت از امیر المؤمنین به عنوان امیر روز غدیر خم نام می برد. بنابر این می توانیم بگوییم این بیت **دقیقی طوسی**، قدیمی ترین شعری است که از روز غدیر خم بعنوان روز امیر المؤمنین و بعبارت دقیق تر از ایشان بعنوان امیر روز یاد کرده است.

بعد از این دو شاعر به قرن پنجم می رسیم که دست کم پنج شاعر اشعاری را در باب غدیر خم سروده اند که البته در چاپ اول به چهار شاعر اشاره شده است و اسامی آنها به ترتیب عبارتست از **منوچهری دامغانی**، **خواجه عبدالله انصاری**، **ناصر خسرو قبادیانی**، **ابوالمفاخر رازی** و **امیر معزی** است و دوازده قطعه از آنها را ارائه داده ایم. **منوچهری دامغانی** متوفای سال 432 است که در دو جا در اشعارش به غدیر خم تصریح کرده و می گوید:

آهنی در کف، چون مرد غدیرخم

به کتف باز فکنده سر هر دو گم

در لغت نامه دهخدا، زیر مدخل «غدیرخم» به همین بیت از **منوچهری** استشهاد شده است و **مصحح دیوان**، آقای دبیر سیاقی نیز نوشته است: «ظاهراً [!] مراد حضرت امیر المؤمنین علی (ع) است.»<sup>21</sup> با عنایت به بیت مورد بحث، یکی از پژوهشگران نوشته است: «ظاهراً نخستین شعری که در آن، نام غدیرخم آمده، از **منوچهری دامغانی** باشد.»<sup>22</sup> اما چنانکه پیش از این آوردیم معلوم شد که یک قرن پیش از **منوچهری**، **دقیقی طوسی** از «امیر روز غدیر» نام برده بود. دیگر اینکه **منوچهری دامغانی** یادکرد دیگری نیز از **غدیرخم** دارد و با بهره جستن از صنعت ایهام التناسب می گوید:

کس را خدای، بی هنری مرتبت نداد

بیهوده هیچ سیل نیاید سویِ غدیر

باشد همو بزرگ و چنو روزِ او بزرگ

باشد شقی حقیر و چنو روزِ او حقیر

ایشان با صنعت ایهام و تناسب می گوید شخص باید قابلیت داشته باشد. و الا سیل به هر غدیری نمی رود و باید مانند آبگیر غدیر دارای قابلیت باشد. بعد هم می گوید باشد هم او بزرگ و چون او روز او بزرگ که مراد حضرت علی است که هم خود ایشان بزرگ هستند و هم روز ایشان که مراد از روز او همان روز غدیر خم است.

شاعر دیگر **خواجه عبدالله انصاری** است که دارای مناجات های معروفی است که در ذیل یکی از مناجات ها می گوید:

ای خوانده خدا تو را ولی ادرکنی

بر تو ز نبی نصّ جلی ادرکنی

دستم تهی و لطف تو بی پایان است

یا حضرت مرتضی علی ادرکنی

شاعر در این رباعی امام علی را ولی می خواند و در مصرع دوم می گوید: از جانب نبی اکرم برای امیر المؤمنین نصّ جلی وارد شده است و هویدا است که مراد از نصّ بویژه نصّ جلی حدیث غدیر خم است که به وضوح و صراحت بر امامت و ولایت علی دلالت می کند و متعلمان و متفکران اسلامی از آن همواره بعنوان نصّ جلی یاد کرده اند.

شاعر دیگر **ناصر خسرو قبادیانی** است که به طور مفصل به غدیر خم پرداخته است و از کثرت توجه ایشان به غدیر خم نیازی به توضیح نیست و در جایی می گوید:

شرف مرد به هنگام پدید آید از او

چون پدید آمد تشریف علی روز غدیر

و در ادامه به اینجا می رسد که می گوید:

علی آن یافت تشریف که در روز غدیر

شد چو خورشید درخشنده در آفاق شهیر

یا در قصیده دیگری می گوید:

با خرد باش یکدل و هم‌پر

چون نبی با علی به روز غدیر

و در قصید ای به مطلع:

بنازم به تو ای علیم و غدیر

ز اهل خراسان صغیر و کبیر

به اینجا می رسد که می گوید:

بیامیزد آن کس به قدر خدای

که بگریزد از عهد روز غدیر

چه گویی به محشر اگر پرسدت

از آن عهد محکم، شبر یا شبیر

که مراد از شبر و شبیر حسنین (علیهما السلام) هستند و از غدیر خم نیز به عهد محکم یاد می کند که در روز

قیامت از آن بازخواست خواهد شد. همچنین در قصیده بلند دیگری می گوید:

آگاه تو نبی که پیمبر که را سپرد

روز غدیرخم، به منبر، ولایتش

آن را سپرد کایزد مر دین و خلق را

اندر کتاب خویش بدو کرد اشارتش

آن را که چون چراغ بُدی پیش آفتاب

از کافران شجاعت، پیش شجاعتش

آن را که در رکوع، غنی کرد بی سؤال

درویش را به پیش پیمبر، سخاوتش

آن را که کس به جای پیمبر جز او نخفت

با دشمنان صعب به هنگام هجرتش

بعد از او ابوالمفاخر رازی متوفای سال 511 است که در قصیده ای بلند و معروف در مدح امام رضا می گوید:

کرده زخارا خمیر همچو امیر غدیر

از کف پیر فطیر، پشت تنور دمن

همچنین امیری معزی که در ویراست دوم افزوده شده است می گوید:

امام بود محمد، علی خلیفه ی او

کنون علی است مشیر و محمدست وزیر

علی ز مهر محمد همی چنان نازد

که از دعای محمد علی به روز غدیر

منظور دعای پیامبر در حق امیر المؤمنین در روز غدیر خم است و این اشعار در کلیات دیوان معزی امیر الشعرا چاپ سال 1362 صفحه 708 آمده است.

از قرن پنجم ابومعالی محمد بن نعمت عربی معروف به فقیه بلخی در کتابش بنام بیان الادیان که در سال 485 قمری تألیف شده است با نثری بسیار زیبا واقعه غدیر خم را به تفصیل و صراحت تمام و با سند صحیح نقل می کند

برداشت مولوی نیز از غدیر برداشتی فراتر از هر مذهبی است. برداشتی عارفانه و عمیق و گسترده تر از برداشت متکلمین است، ضمن اینکه شامل برداشت متکلمین نیز می شود. مانند این شعر:

نام احمد نام جمله انیاست

چون که صد آمد نود هم پیش ماست

چون مولانا تنگ نظری نداشته و تفکراتش در مذهب خاصی نمی گنجیده و نگاه او فرامذهبی بوده است، برداشتی عمیق و ژرف از حدیث غدیر خم دارد. ضمن اینکه برداشت شیعه از غدیر خم را نیز داراست، همچنانکه می گوید چون که صد آمد نود هم پیش ماست. بیشتر کسانی که با ادبیات فارسی سر و کار دارند این اشعار مولانا را از حفظ دارند:

زین سبب پیغامبر با اجتهاد

نام خود وان علی مولا نهاد

گفت هر کو را منم مولا و دوست

ابن عم من علی مولای اوست

کیست مولا آنک آزادت کند

بند رقیب ز پایت بر کند

چون به آزادی نبوت هادیست

مؤمنان را ز انبیا آزادیست

ای گروه مؤمنان شادی کنید

همچو سرو و سوسن آزادی کنید

در این ابیات حدیث غدیر و بارزترین قسمت آن عبارت من کنت مولا فلهذا علی مولا را آورده و به توجیه و تفسیر آن می پردازد. علی الظاهر شاعر به عبارت دوست اشاره می کند. اما می خواهد بگوید حکومت پیامبر و به تبع آن خلافت علی(ع) از سر نور و محبت در دلها وجود داشت و نتیجه آن نیز آزادی انسان بود. ارتباط امت با پیامبر و بعد از آن با خلیفه ایشان علی(ع) (ارتباطی قلبی بود. آنها به پیامبر عشق می ورزیدند و بعد از ایشان نیز به علی(ع) عشق می ورزیدند و این عشق و محبت باعث می شود آزادگی را به دست بیاوری

کیست مولا آنک آزادت کند

بند رقیّت ز پایت بر کند

چون به آزادی نبوت هادیست

مؤمنان را ز انبیا آزادیست

فلسفه بعثت پیامبران این نیست که برای انسان محدودیت ایجاد کنند و بندی بر پای او باشد، بلکه قصد دارد او را از شرّ نفس اماره و بت پرستی آزاد کند. بعد می گوید:

ای گروه مؤمنان شادی کنید

همچو سر و سوسن آزادی کنید

مولانا در این بیت می گوید: باید برای ولایت مولا علی(ع) جشن گرفت و شاد بود.



مولانا در آثار دیگرش به فضایل امیرالمؤمنین پرداخته است، اما چون مستقیماً با حدیث غدیر خم در ارتباط نیست به آن اشعار نمی پردازیم به هر حال مولوی نگاهی ژرف داشته و فراتر از نگاه رایج متکلمین است.

هر چه پیشتر می آییم، غدیریه ها از نظر محتوا اصیل تر و بلیغ تر و زیباتر و ژرف تر می شوند تا به دوران صفوی می رسیم که بعد از قرن نهم تعداد غدیریه های فارسی به حدی زیاد می شود که قادر به جمع آوری دقیق آنها نبودیم. از دوران مشروطه به بعد، همانطور که سبک های جدیدی در ادبیات فارسی ایجاد می شود، غدیریه ها نیز در سبک های مختلف از جمله شعر آزاد، شعر نیمایی، شعر سپید و ... دیده می شوند که تا قبل از دوران مشروطه وجود نداشتند. در دوران معاصر نیز آقای اخوان ثالث به لحاظ بلاغت بسیار دقیق است و ایشان هم در سبک کلاسیک و در قالب قصیده، بصورت بلیغ غدیریه سروده است که انسان گمان می کند کلمات در دست او قرار داشته و هر طور خواسته با کلمات بازی کرده است و قصیده غدیریه بلندی دارد.

در دوران معاصر نیز شعرایی مانند سید علی موسوی گرمارودی متولد 1320 شمسی به سبک نیمایی اشعاری دارد و در مجموعه آثار ایشان بنام "در سایه سار بحر ولایت" به چاپ رسیده است و ایشان این شعر را در ستایش علامه امینی سروده است. همچنین اشعاری دیگری در این کتاب در ستایش مولا علی(ع) دارد و تحت عنوان ... در نکوداشت علامه امینی سروده بود.

محمد رضا شریف نیا نیز که بیشتر در هنرپیشگی شهرت یافت، غدیریه ای به سبک آزاد یا سپید دارد. اثر ایشان در این مجموعه آمده است که می گوید:

خداوندا، خدایا، بارالها، ایزدا، پروردگارا

ای خدای نیکی و پاکی

خدای هستی و ای رازق بی چون

کنون این بنده خوار و ذلیل توس

که پیش قبله ات سر بر نشان بندگی دارد

خداوندا، خدایا رحم کن بر بندگانت

و آنها را به نیکی و پاکی هدایت کن

این ندای اوست

این صدای ناله های اوست

الهی، الهی،... الهی

الهی و خلاق

صدای مرد حق، مرد خدا آن مرد بی همتا علی همان مردی که باید بهر پیغمبر وصی باشد

همان مردی که باید سرور والا تبار شیعیان باشد

همان مردی که او باید امیر مومنان باشد

و او باید که باشد از برای جامعه مصلح

و برای مصلحین فاتح....

محمد صحتی سردرودی پژوهشگر شعر شیعه نیز مثنوی تحت عنوان "تبسم هستی" دارد که با این ابیات آغاز می شود.

یا علی، ای تبسم هستی

ذکر خیرت ترنم مستی

تو گل آفتاب گردانی

محور مهر و مرد میدانی

سیرت سبز و رسم، رحمانی

به خدا تو خدای را مانی...

برگرفته از مصاحبه اختصاصی پایگاه حوزه با محمد صحتی سردرودی پژوهشگر و مولف کتاب "غدیریه های فارسی (از قرن چهارم تا چهاردهم)"